

واکاوی تحریف ناپذیری قرآن از منظر فقههای معاصر

سیده زهرا حسینی کهه^۱

^۱ کارشناسی آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا (س) یزد

اداره آموزش و پرورش شهرستان حاجی آباد، آموزشگاه متوسطه اول نسیمییه

zahra.hosseini۸۳۵۵@gmail.com

۰۹۱۷۹۳۶۸۳۵۵

چکیده

یکی از موضوعاتی که از قدیم در مورد کلام وحی قرآن کریم وجود داشته است موضوع تحریف یا عدم تحریف قرآن می باشد. در این تحقیق برآنیم تا دیدگاه علامه طباطبایی (ره) و آیت الله جوادی آملی را بعنوان دو چهره شاخص قرآن پژوهی در دو دوره متفاوت در این خصوص مورد کاوش قرار دهیم؛ تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد قرآنی اثبات نموده که علامه طباطبایی (ره) و آیت الله جوادی آملی در مورد قرآن کریم قائل به تحریف نمی باشند و می فرمایند که این کتاب عظیم از ابتدای نزول تا کنون دستخوش تحریف نشده است و این دو بزرگوار برای اثبات مدعای خویش دلایلی را در آثار خود یادآور شده که هم اکنون در نوشته ی پیش رو نیز گنجانیده و مورد دسته بندی و بررسی قرار گرفته است که عبارتند از: دلایل قرآنی، روایی و عقلی. در نهایت نیز دیدگاه هر دو بزرگوار را مقایسه خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: تحریف، قرآن، علامه طباطبایی، آیت الله جوادی آملی، روایات، تحریف ناپذیری

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسئله

قرآن کتابی آسمانی است که خداوند برای هدایت بشر نازل کرده و پایه و اساس شریعت اسلام است. حفظ قرآن نیز در میان مسلمانان به عنوان یک عبادت بزرگ تلقی میشود (آقایی باباجان، ۱۳۹۴).

قرآن اصیل ترین و شناخته شده ترین کتاب در بین مردمان است و خداوند متعال خود متعهد به حفظ و صیانت آن از آفات است (خنشا و سامی، ۱۳۹۷). خداوند متعال در آیه نهم سوره مبارکه حجر میفرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»؛ (همانا ما قرآن را فرورستادیم و نگهبان آن خواهیم بود).

یکی از محوری ترین مباحث قرآنی، بحث تحریف ناپذیری و صیانت از قرآن است که با عناوین مختلفی نظیر عدم تحریف قرآن، عصمت قرآن، مصونیت از قرآن و تحریف ناپذیری، از گذشته ها مورد توجه مفسران و دانشمندان علوم قرآنی است. بی شک موضوع عدم تحریف قرآن از مهمترین مسائل علما و بزرگان اسلام بوده است، دلیل این مطلب نیز روشن است؛ دیگر علوم قرآنی نظیر محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید و ... تماماً به محتوای قرآن بر می گردند و پس از اثبات اصالت قرآن است که آنها مورد بحث و بررسی قرار می گیرند (عاشوری، ۱۳۸۱).

دفاع از کرامت قرآن یکی از اساسی ترین وظایف دینی هر مسلمان است، زیرا از گذشته دشمنان اسلام، قرآن را مورد هدف قرار داده اند و در جهت القای شبهه ی تحریف قرآن قدم برداشتند (نادی، ۱۳۹۳).

از دیرباز شبهات فراوانی درباره ی تحریف قرآن مطرح بوده و مورد انکار و رد محققین بزرگ اسلام قرار گرفته است. مگر برخی از گروهها یا افرادی که به دلیل شناخت کم نسبت به اصول و عقاید اسلامی شبهه را قوی گرفته و آن را توجیه کردند. تحریف متن، نوعی دگرگونی و انحراف در متن است که به دو شکل معنوی و لفظی انجام میشود. تحریف معنوی به معنی تفسیر سخن بر خلاف مقصود

گوینده است و تحریف لفظی به معنای کم و زیاد کردن الفاظ کلام است. به دلیل برخی روایات اهل سنت - که «حشویه» آن را روایت کرده اند و نیز روایاتی از شیعه - که «اخباریون» به آن دامن زده اند - مسأله کاستی از قرآن پیش آمده است؛ اما به اتفاق نظر همه مسلمانان تحریف از حیث فزونی آیات و الفاظ در قرآن تحقق نیافته است (طیبی، ۱۳۸۸).

۲-۱- ضرورت، اهداف و سوالات پژوهش

ضرورت این پژوهش در دو محور ضرورت کاربردی و ضرورت نظری قابل بررسی می باشد. در محور اول با توجه به خلاهای موجود در ساز و کارهای کاربردی آموزش قرآن مانند شبهات ایجاد شده توسط معاندین و دشمنان اسلام و قرآن، بررسی این مهم از منظر کاربرد امری ضروری می باشد و ضرورت نظری بررسی این موضوع با عنایت به نیاز به گسترش آشنایی با قرآن در نسل جدید و عدم بررسی موضوعات مربوط به تحریف در کتب درسی امری مهم می باشد و انجام پژوهش در این زمینه می تواند روزنه ای در جهت ایصال به این اهداف باشد. با توجه به آنچه گذشت، این پژوهش ضمن مفهوم شناسی تحریف ناپذیری قرآن، به واکاوی علل تحریف ناپذیری قرآن و ادله اثبات آن از دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی می پردازد و در پایان تلاش دارد به نتیجه گیری مطلوبی از بحث، دست یابد. با عنایت به مطالب فوق در این پژوهش بر آنیم تا پس از بررسی مبانی نظری تحریف در قرآن، پرسش های زیر را پاسخ دهیم؛

۱- دلایل تحریف ناپذیری قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی چیست؟

۲- دلایل تحریف ناپذیری قرآن از دیدگاه آیت الله جوادی آملی چیست؟

۳- تشابهات و تفاوت های دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی در مورد تحریف ناپذیری قرآن کدامند؟

۳-۱- مبانی نظری و روش پژوهش

در این پژوهش از روش کتابخانه ای _ توصیفی و با رویکرد مقایسه ای استفاده شده است. گردآوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه ای، پایان نامه ها و مقالات پژوهشی صورت گرفته است. بدین صورت که پس از جمع آوری به طبقه بندی و تحلیل آنها پرداخته میشود.

۴-۱- پیشینه پژوهش

سیدرضایی (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی تطبیقی دیدگاه آیات عظام جوادی آملی و فاضل لنکرانی در رد روایات دال بر تحریف»، با روش توصیفی _ تطبیقی و با نقد سندی و متنی روایات تحریف از دیدگاه آیات عظام لنکرانی و جوادی آملی به اثبات جعلی بودن این گونه روایات پرداخته است و این نتیجه حاصل گردید که روایات دال بر تحریف فاقد اتصال سندی معتبر بوده و از راویانی نقل شده که فاسد مذهب اند.

خنشا و سامی (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «تبیین اندیشه های عقلانی و حیانی آیت الله جوادی آملی درباره تحریف ناپذیری قرآن»، با استفاده از روش کتابخانه ای با شیوه تحلیلی _ مقایسه ای به تبیین آثار و نظرات آیت الله جوادی آملی در رابطه با تحریف ناپذیری قرآن می پردازند.

معرفت (۱۳۷۶)، در کتابی تحت عنوان «صیانت القرآن من التحریف»، در مورد عدم تحریف در قرآن بحث میکند. مولف در این کتاب سعی نموده با ذکر اقوال علماء شیعه و با بررسی کتاب فصل الخطاب حاجی نوری، ساحت شیعه را از این اتهام پاک نماید. آقایی باباجان (۱۳۹۴)، در پایان نامه ارشد خود با عنوان «بررسی تطبیقی دلایل تحریف ناپذیری قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله معرفت»، با روش کتابخانه ای و توصیفی و بیان کلیات تحریف و ذکر مبانی نظری آن، به مقایسه دلایل علامه طباطبایی و آیت الله معرفت در مورد تحریف ناپذیری قرآن پرداخته است. نتیجه این که اندیشمندان نامبرده در اثبات تحریف ناپذیری قرآن از دلایل مشابهی استفاده کردند با این تفاوت که علامه طباطبایی بیشتر روی بررسی خود قرآن کریم تاکید دارد.

رضایی (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان «بررسی دیدگاه الله طباطبایی در تحریف ناپذیری قرآن»، با روش توصیفی- تحلیلی با رویکرد قرآنی است که دیدگاه علامه را در مصونیت قرآن از تحریف بیان کرده و نتیجه می‌گیرد قرآن که امروز در دست ماست همان قرآن نازل شده از جانب خداوند است.

نادی (۱۳۹۳)، در تحقیقی به عنوان «دلهی تحریف ناپذیری قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان»، با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد قرآنی اثبات نموده که علامه طباطبایی در مورد قرآن کریم قائل به تعریف نمی‌باشد و برای اثبات مدعای خویش دلایلی را در تفسیر شریف المیزان یادآور شده است که در این پژوهش گنجانیده و مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- بحث درباره یافته ها

۱-۲- مفهوم شناسی

۱-۱- تحریف در لغت و اصطلاح

(سبحانی، ۱۳۹۳) تحریف در لغت، یعنی تفسیر سخن برخلاف مقصود، یعنی کج کردن و گرداندن سخن از معنای اصلی‌اش. آیه «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» نیز به همین معنی تفسیر شده است، یعنی سخنان را از جایگاه اصلی‌اش برمی‌گردانند. مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می‌گوید: یعنی قرآن را بر خلاف آنچه که نازل شده تفسیر می‌کنند و مقصود از «مواضع»، یعنی معانی و مقاصد. (معرفت، ۱۳۹۵) اما در اصطلاح، تحریف به چند معنی به کار می‌رود:

۱. تحریف در دلالت کلام یعنی تفسیر و تاویل ناروا، به گونه ای که لغت با تفسیرهماهنگ نبوده و وضع و قرینه ای بر آن دلالت نداشته، صرفاً طبق دل خواه تفسیر و تاویل گردیده باشد. این گونه تاویل غیر مستند را تاویل باطل و تفسیر به رای می‌شمرند. پیامبر اکرم فرموده است: «من فسر القرآن برایه فلیتبا مقعده من النار»، هر کسی قرآن را به دل خواه خود تفسیر کند، باید جایگاه خود را در آتش مشخص سازد.»

۲. ثبت آیه یا سوره در مصحف بر خلاف ترتیب نزول: درباره سوره ها اینگونه جا به جایی صورت گرفته است، ولی در آیات احتمال آن بسیار ضعیف است.

۳. اختلاف قرائت که بر خلاف قرائت مشهور باشد، این کار از صدر اول تا قرن ها ادامه داشته است و کسانی از قراء بر خلاف قرائت معروف قرائت می‌کرده اند.

۴. اختلاف در لهجه: هر یک از قبایل عرب لهجه مخصوص به خود داشتند و بر خلاف لهجه قریش قرآن را تلاوت می‌کردند، در حالی که قرآن به لهجه قریش نازل شده بود، البته پیامبر اکرم این اختلاف لهجه ها را اجازه فرمود.

۵. تبدیل کلمات: یعنی لفظی را از قرآن برداشتن و مرادف آن را جایگزین کردن. گویند عبد الله بن مسعود تعویض کلمات را جایز می‌دانست به شرط آنکه به اصل معنا صدمه وارد نکند. لذا کلمه های سخت و دشوار قرآن را به کلمات سهل و آسان تر مبدل می‌کرد.

۶. افزودن بر قرآن: از ابن مسعود روایت شده است که برخی کلمات را به عنوان تفسیر در خلال آیه می‌آورد تا مراد آیه را روشن تر سازد، چنانکه در آیه تبلیغ، جمله «ان علیا مولی المؤمنین» را زیاد نموده و آیه را چنین می‌خواند: یا ایها الرسول بلغ ما نزل الیک من ربک - ان علیا مولی المؤمنین - و ان لم تفعل فما بلغت.

۷. کاستن از قرآن: برخی گمان برده اند قرآن بیش از اندازه موجود بوده است و از روی سهو و اشتباه و یا عمداً از آن کاسته شده است. بیشتر بحث پیرامون مساله تحریف در همین جاست. آیا از قرآن چیزی کم شده است یا نه؟ به دلیل برخی روایات اهل سنت - که «

حشویه^۱ « آن را روایت کرده اند - و نیز روایاتی از شیعه - که « اخباریون^۲ » به آن دامن زده اند - مساله کاستن از قرآن مطرح شده است ، ولی این موضوع مورد اجماع امت است که هرگز بر قرآن چیزی افزوده نشده است.

۲-۱-۲- انواع تحریف

به طور کلی دو نوع تحریف وجود دارد که تمام اقسام تحریف ذیل یکی از آن ها قرار می گیرند:

تحریف لفظی؛ تصرف در ساختار الفاظ و عبارات است که خود دارای چند نوع به شرح ذیل است:

۱- تحریف به فزونی؛ یعنی افزودن کلمه یا جمله‌ای به سخن و متن اصلی؛

۲- تحریف به کاهش؛ یعنی حذف بخشی از حروف، واژه‌ها یا جملات متن؛

۳- تحریف به تبدیل و جابه‌جایی که در آن کلماتی جایگزین واژه‌های مترادف یا غیر مترادف می‌شود، به گونه‌ای که معنا را مخدوش کند؛

۴- تحریف در لحن و گویش که همان تغییر در حرکات و نحوه ادای واژگان است، به گونه‌ای که معنای اصلی کلمه فهمیده نشود. تحریف معنوی؛ تفسیر و تأویل نادرست از لفظ و عبارت است، که برخلاف مقصود گوینده و اغلب بدون استناد به قواعد فهم درست کلام و بر اساس رأی شخصی و با انگیزه‌های خاص صورت می‌پذیرد.

۲-۱-۳- دلایل شکل‌گیری دیدگاه تحریف

با بررسی منابع دریافته می‌شود سه عامل مهم در شکل‌گیری دیدگاه تحریف موثر بوده عبارت است از: ۱- وجود روایات

تحریف ۲- ابهام در تاریخ گردآوری قرآن ۳- کمرنگی طرح مساله امامت در قرآن

۲-۲- بررسی دیدگاه علامه طباطبایی

قرآن‌پژوهان و محققان علوم قرآنی برای اثبات مصونیت قرآن از انواع تحریف، به دلایل عقلی و نقلی متعددی تمسک جسته‌اند. برخی با تکیه بر قاعده «لطف» (هدایتگری خداوند و ضرورت اتمام حجت) از یک‌سو، و توجه دادن به خاتمیت دین اسلام و جاودانگی آن از سوی دیگر، احتمال تحریف در آخرین نسخه هدایتگر الهی را نفی نموده‌اند. برخی دیگر با تکیه بر اعجاز قرآن، احتمال هرگونه تحریف در آن را منتفی دانسته‌اند. برخی هم علاوه بر این، از دلایل روایی نیز برای این منظور مدد گرفته‌اند. دلایلی را که از سوی علامه طباطبائی در تفسیر شریف المیزان بر این امر اقامه شده است، می‌توان تحت عناوین «دلایل قرآنی» و «دلایل روایی» مطرح نمود.

۲-۲-۱- دلایل تحریف ناپذیری قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی

۲-۲-۱-۱- دلایل قرآنی

۲-۲-۱-۲- اوصاف قرآن

علامه عمده ترین و بهترین دلیل عدم تحریف قرآن را اوصاف ذاتی قرآن می‌داند. ایشان بر این باورند که قرآن برای اثبات صحت استنادش به خداوند، نیازمند نقل متواتر نیست و خود قرآن با صفات نیکویش بر اصالت و مصونیت خود گواهی میدهد. علامه طباطبایی این مطلب را با چند مقدمه به اثبات می‌رساند:

۱- یکی از مسلمات تاریخ ظهور پیامبر اکرم (ص) در بیش از چهارده قرن پیش است. پیامبری به نام محمد (ص) که ادعای نبوت می‌کند، کتابی به نام قرآن آورده و آن را به خدای متعال نسبت می‌دهد و با همین کتاب تحدی کرده و آن را معجزه می‌خواند.

^۱ حشویه بر فرقه‌ای از عامّه (اهل سنت) اطلاق می‌شود که به هر خبری، هر چند متناقض عمل می‌کنند و به ظواهر قرآن، هر چند مخالف با دلیل قطعی تمسک می‌جویند.

اخباریون گروهی از فقیهان امامی که اخبار و احادیث امامان شیعه را تنها منبع فقه و تنها مبنای استنباط احکام شرعی می‌دانند^۲

۲- اینکه قرآن موجود در این عصر همان قرآنی است که پیامبر آورده به لحاظ تاریخی قطعی است. قرآن هرگز دچار سرنوشت عهدین نشده است.

۳- قرآن خود را به اوصاف و خواص موجود در نوع آیاتش نظیر فصاحت و بلاغت، عدم اختلاف و ذکر بودن، توصیف و به آنها تحدی کرده است. از جامع ترین اوصافی که قرآن برای خود قائل شده است، ذکر بودن آن است. زیرا یکی از اسامی قرآن مانند اسم ذکر دلالت بر آثار و شئون قرآن ندارد. بنابراین آیاتی که در مورد حفظ قرآن از زوال و تحریف صحبت می کند را ذکر می گویند. تنها چیزی که بعضی از مخالفان و موافقان احتمال داده اند این است که جملات مختصری و یا آیه ای در آن زیاد و یا از آن کم یا جا به جا شده و تغییری در کلمات و یا اعراب آن رخ داده اما بی شک اصل کتاب باقی مانده و به کلی از بین نرفته است. مرحوم علامه ضمن بیان اوصاف قرآن، یکی دیگر از دلایل مصونیت قرآن کریم از تحریف را تواتر آن از گذشته تا به امروز بیان میکند. عالمان شیعه و اهل سنت بر متواتر بودن قرآن اجماع دارند. تواتر همیشه از راه حفظ و نگهداری در سینه‌ها امکان پذیر است. و قرآن موجود طی اعصار و قرون و در جمیع طبقات مسلمانان به همین نحو نقل و قرائت شده است.

۲-۲-۱-۲-۲- آیه حفظ

آیاتی در قرآن وجود دارند که به صراحت بر مصونیت قرآن از تحریف دلالت دارند و مصونیت خویش از تحریف و تغییر را ضمن بیان آیاتی از جمله آیه ۹ حجر به اثبات می نماید.

«إنا نحن نزلنا الذكر وإنا له لحافظون»: قطعاً ما خودمان قرآن را نازل کردیم و ما خود، بی گمان حافظ آنیم.

در واقع علامه طباطبایی ذیل این آیه در هفت فصل عدم تحریف قرآن را به اثبات می رساند.

۲-۲-۱-۲-۳- آیه نفی باطل (إن الذين كفروا بالذکر لما جاءهم و إنهم لکتاب عزیز، یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید- فصلت / ۴۲-۴۱)

علامه طباطبایی (ره) جهت نفی انواع تحریف از قرآن کریم، آیه نفی باطل را مورد استناد می جوید: «کسانی که به این ذکر (قرآن) زمانی که به سراغشان آمده کافر شدند با آنکه کتابی است شکست ناپذیر که هیچ باطلی از پیش رو و پشت سر در آن راه نمی یابد و از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است.

صاحب تفسیر شریف المیزان دلالت این آیه ی شریفه بر عدم وقوع تحریف در قرآن را مانند آیه ی حفظ می داند با این توضیح که مراد از جمله ی (من بین یدیه ولا من خلفه) زمان نزول قرآن و عصر های پس از آن تا روز قیامت است و از اطلاق نفی در جمله ی (لا یأتیه الباطل) عمومیت استفاده می شود. بنابراین، مضمون آیه این است که در بیانات قرآن کریم تناقض و در خیرهایی که داده دروغ، و در معارف، حکمت ها، شرایع و احکامش هیچ بطلانی نیست نه مورد معارضه چیزی واقع می شود و نه دستخوش دگرگونی می گردد؛ و امکان ندارد چیزی که از قرآن نیست به قرآن راه یابد مثلاً آیاتش را تحریف کنند و جای آنها را تغییر دهند و کم و زیاد کنند بنابراین آیه ی شریفه همان را می گوید که آیه شریفه ی (إنا نحن نزلنا الذکر و إنا له لحافظون) در صدد بیانش می باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷).

علامه نیز می فرماید که این آیه شریفه مانند آیه حفظ بر عدم تحریف قرآن به افزونی، نقصان و نیز هر گونه تغییری دلالت دارد که به ذکر بودن قرآن لطمه ای وارد سازد، البته تغییرات بسیار جزئی مانند اختلاف در قرائتی که مغیر معنای آیه نباشد، از شمول این دلیل خارج است (مصباح، ۱۴۰۳)

۲-۲-۱-۳- دلایل روایی

علاوه بر دلایل قرآنی که جهت اثبات و تأیید مصونیت قرآن از تحریف بیان گردید، روایاتی نیز وجود دارد که مؤید این مطلب می باشد به اسم این روایات و احادیث اشاره می گردد.

۱-۲-۲-۱-۳-۱- حدیث ثقلین

علامه طباطبایی حدیث ثقلین را به عنوان یکی از دلایل عدم تحریف قرآن، عنوان می کند زیرا این حدیث از طریق روایان شیعه و اهل سنت به تواتر به دست مارسیده است و می فرماید: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا بعدی ابدًا- به درستی که من در میان شما دو چیز گرانبه باقی می گذارم: کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم، مادام که به آن دو تمسک جوئید هرگز گمراه نخواهید شد» (طباطبایی، ۱۴۱۷)

آن بزرگوار در خصوص این حدیث می فرماید که این حدیث، دلیل بر عدم وقوع تحریف در قرآن است؛ چرا که امر به تمسک به کتابی تحریف شده و نفی گمراهی برای کسانی که بدان چنگ زنند، با یکدیگر سازگار نیست. و به عبارت دیگر «اگر بنا بود قرآن کریم دستخوش تحریف شود معنا نداشت آن جناب مردم را به کتابی دستخورده و تحریف شده ارجاع دهد و با این شدت تأکید بفرماید تا ابد هر وقت به آن دو تمسک جوئید گمراه نخواهید شد» (طباطبایی، ۱۴۱۷)

۱-۲-۲-۲-۳-۲- روایات رجوع به قرآن در فتنه ها

علامه طباطبایی در این خصوص نیز می فرماید: اخبار زیادی از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم نقل شده و در آن دستور داده شده است که مردم در فتنه ها و در حل مشکلات به قرآن مراجعه نمایند. بنابراین بر هر مسلمانانی لازم است که برای پیدا کردن راه درست در تاریکی فتنه ها و نیز مصونیت از هرگونه گمراهی، از نور هدایت قرآن بهره ببرند؛ روشن است که اگر قرآن کریم خود دچار تحریف می شد دستور به تمسک به آن برای شناخت راه درست و صحیح معنا نداشت بنابراین دستور مؤکد پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم برای رجوع به قرآن در هنگام فتنه ها خود دلیل بر آن است که قرآن کریم مصون و مبری از هر انحراف و کژی می باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۳)

پس با توجه به مطالب فوق باید گفت که رجوع به قرآن به عنوان بهترین پناهگاه در فتنه ها، دال بر این است که قرآن از هرگونه فتنه، از جمله تحریف، مصون و مبری می باشد.

۱-۲-۲-۳-۳-۱- روایات قرائت قرآن توسط ائمه علیهم السلام موافق و عین قرآن موجود

علامه می فرماید: «دلیل دیگر عدم تحریف از نظر روایات، روایاتی است که در آنها خود امامان علیهم السلام، آیات قرآن را در هر باب موافق و عین آنچه در این قرآن موجود در عصر ماست قرائت کرده اند حتی در آن اخبار آحادی که می خواهند قرآن را تحریف شده معرفی کنند آیه را آنطور که در قرآن عصر ماست تلاوت کرده اند و این بهترین شاهد است بر اینکه مراد در بسیاری از آنها که دارد آیه بدان نحو نازل شده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷)

۱-۲-۲-۳-۳-۲- روایات وارده از امیرمؤمنان علی علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام مبنی بر عدم تحریف قرآن

اماره ای دیگر که حضرت علامه (ره) در خصوص مصونیت قرآن کریم از تحریف بدان اشاره نموده روایاتی است که از امیرمؤمنان علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام وارد شده که قرآن موجود در دست مردم همان قرآنی است که از ناحیه ی خداوند نازل شده، اگرچه غیر آن قرآنی است که حضرت علی علیه السلام آن را به خط خود تنظیم نموده است و در زمان ابوبکر و همچنین در زمان عثمان که به تنظیم و کتابت قرآن پرداختند آن حضرت را مشارکت ندادند؛ و از همین باب است اینکه به شیعیان خود فرموده اند: «إقرؤوا كما قرء الناس»؛ «قرآن را همانطور که مردم می خوانند بخوانید و مقتضای این روایات این است که اگر در آن روایات دیگر آمده که قرآن حضرت علی علیه السلام مخالف قرآن موجود در دست مردم است معنایش این است که از نظر ترتیب بعضی سوره ها یا آیات تفاوت دارد، آن هم سوره یا آیاتی که بهم خوردن ترتیبش کمترین اثری در اختلال معنای آن ندارد و آن اوصافی را که گفتیم خداوند قرآن را به این اوصاف توصیف نموده از بین نمی برد. پس مجموع این اخبار - هرچند که مضامین آنها با یکدیگر مخالف است - دلالت قطعی دارد بر اینکه قرآنی که امروز در دست مردم است همان قرآنی است که از ناحیه ی خدای تعالی بر خاتم انبیاء صلی الله علیه وآله وسلم نازل شده است، بدون اینکه چیزی از اوصاف کریمه اش و آثار و برکاتش از بین رفته باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷)

۲-۱-۴- دلایل عقلی: الهی بودن نظم آیات و قرینه سیاق

تردیدی نیست که سوره های قرآن در مصحف موجود براساس سیر نزول تنظیم نشده اند برای نمونه سوره بقره که دومین سوره در ترتیب کنونی قرآن است در مدینه نازل شده و در ترتیب نزول پس از سوره های مکی مانند علق، مزمل و مدثر قرار گرفته است. همچنین سوره حمد طبق شواهد تاریخی پنجمین یا ششمین سوره قرآن طبق ترتیب نزول آنست شواهدی موجود است که برخی آیات نیز طبق ترتیب نزول تنظیم نشده اند مثلاً در موارد معدودی آیات ناسخ بر منسوخ در یک سوره مقدم شده اند.

حال سخن در اینست که با این اوصاف میتوان چینش عبارات قرآن را در آیات و سوره ها از سوی خدا دانست و آیا تفاوت چینش کنونی قرآنی با ترتیب نزول امر تفسیر قرآن و بخصوص تمسک به قرینه سیاق را مختل نمی سازد؟ صاحب المیزان معتقد است: تفاوت چینش آیات و سوره ها با ترتیب نزول آن هیچ تاثیر منفی بر نظم آیات قرآن و بیان مقاصد آن نگذاشته است و قرآن با چینش و ترتیب حاضر کاملاً مقصود خدا را ادا می کند.

علامه تاکید می کند که آیات قرآن به صورت قطعه قطعه نازل شده و آنچه در ادای مقصود خداوند نقش اصلی را ایفا می کند وبالطبع زمینه را برای استفاده از قرینه سیاق در تفسیر فراهم می آورد در کنار هم قرار گرفتن آیاتی است که با هم نازل شده اند به عقیده علامه بررسی آیات نشان میدهد که این بخشهای مستقل قرآنی در متن موجود کاملاً ارتباط خود را با یکدیگر حفظ کرده اند. آیاتی که با هم نازل شده اند ممکن است قطعاتی از یک سوره و یا حتی تمام یک سوره را در بر گیرند. خلاصه به اعتقاد علامه طباطبایی در متن آیات و سوره های قرآن طبق ترتیب کنونی هیچگونه تغییری که به وحیانی بودن آیات لطمه ای بزند و هدایت قرآن و اوصاف متعالی آن را مخدوش سازد صورت نگرفته است و قرآن با همان نظم و چینش الهی از ابتدای نزول، تاکنون دست نخورده باقی مانده و آیات آن در چینش کنونی به ویژه در آیاتی که باهم نازل شده کاملاً پیوند خود را حفظ کرده اند.

۲-۳- بررسی دیدگاه آیت الله جوادی آملی

استاد حکیم و مفسر قرآن حضرت آیت الله جوادی آملی در آثار مختلفشان نظر خود را مبنی بر عدم تحریف و نفوذ پذیری کلام الله مجید بیان نموده اند که در این قسمت از پژوهش دیدگاه ایشان با محوریت دلایل قرآنی، دلایل روایی و دلایل عقلی مورد بررسی و کاوش قرار می گیرد.

۲-۳-۱- دلایل تحریف ناپذیری قرآن از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

۲-۳-۱-۱- دلایل قرآنی

۲-۳-۱-۱-۱- عصمت ذاتی قرآن

استاد جوادی آملی قائل به عصمت ذاتی برای قرآن می باشد، ایشان در این باره می فرماید: «خدای سبحان نزول قرآن را در مصاحبت حق معرفی کرده است: بالحق أنزلناه وبالحق نزل (اسراء ۱۰۵) یعنی نزول قرآن و انزال آن از سوی ما در صحبت حق است؛ ارتباط این کتاب با مبدأ فاعلی و نیز پیوندی که با مبدأ قابلی دارد حق است. هم در صحبت حق پایین آمده و هم در مصاحبت حق در قلب رسول اکرم (ص) نشست؛ هم خدا حق گفت و هم رسول خدا حق یافت و هرگز حق و حقیقت از قرآن جدا نشده است. از آغاز تنزل تا انجام نزولش مصاحب حق است و هیچ باطلی در آن راه ندارد: «لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه» (جوادی، ۱۳۷۵). پس طبق بیانات فوق می توان نتیجه گرفت: آیت الله جوادی آملی یکی از دلایل عدم تحریف قرآن را عصمت ذاتی قرآن میداند.

۲-۳-۱-۲- هماهنگی قرآن حکیم و عترت

یکی از دلایلی که از طرف استاد جوادی در مبحث تحریف و نفوذ ناپذیری قرآن کریم بررسی می شود، موضوع هماهنگی قرآن و عترت می باشد. ایشان در این باره بیان می دارند: «هماهنگی قرآن حکیم و عترت اطهار و جدایی ناپذیری این دو عنصر، ایجاب می کند که مفسر قرآن مجید همواره در محضر سنت معصومان (ع) بوده و هرگز هیچ کدام را بدون همراه ضروری وی مطالعه نکند، یعنی

هم «حسبنا کتاب الله» که به منظور محروم کردن امت اسلامی از علوم اهل بیت گفته شد، نغمه مشنومی است و هم پندار باطل تحریف قرآن که زمینه زمزمه «حسبنا السنه» را فراهم کرد، آهنگ منحوسی است» (جوادی، ۱۳۹۳)

۲-۳-۱-۱-۳-۲- سوره فصلت آیات ۴۱-۴۲

حضرت آیت الله جوادی آملی در ذیل آیات ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت (ان الذین کفروا بالذکر لما جاءهم و انه لکتاب عزیز- لایاتیة الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید) بیان می دارد: «این کتاب به دلیل عزیز بودن و تنزیل از ناحیه خدای حکیم حمید، باطل شدنی نیست و از همه جوانب مصون از بطلان و همواره معزز و محمود است، چون تنزل از عزیز مایه عزت و تنزیل از حکیم مایه حکمت و تنزیل از "حمید" پایه محمدت است و کتاب محرف (تحریف شده) واحد هیچ کدام از این سه وصف ممتاز نیست. (جوادی، ۱۳۷۵)

۲-۳-۱-۱-۴- آیه حفظ - انا نحن نزلنا الذکر و اناله لحافظون (حجر / ۹)

آیت الله جوادی آملی در اثبات تحریف ناپذیری قرآن توسط این آیه می فرماید: «در این آیه کریمه سه بار فرموده است: ما چنین کرده و می کنیم که نشان دهنده اهمیت مسأله است و افزون بر این، چند تأکید نیز در آیه آمده که کلمه آن، ضمیر منفصل نحن و لام تأکید میباشد» (جوادی، ۱۳۸۹)

ایشان در ادامه درباره معنا و مقصود از حفظ می فرمایند: «ما قرآن را به صورت ذکر محفوظ نازل کردیم و در آینده نیز آن را از تصرف و زیاده و نقصان، حفظ می کنیم. کارهایی که خدای سبحان به خود نسبت می دهد، ریشه صفت مشبهی دارد گرچه به صورت اسم فاعلی شان باشد و کلمه "حافظون" نیز معنای حفظ مستمر را که مناسب با ذات اقدس الله است می رساند» (جوادی، ۱۳۷۵)

۲-۳-۱-۱-۵- آیه کریمه رصد (... فإنه یسلک من بین یدیه و من خلفه رصد) - لیعلم أن قد أبلغوا رسالات ربهم وأحاط بمالدهم و أحصى کل شیء عددا (جن) ۲۷-۲۸

آیت الله جوادی آملی درباره کاربرد این آیه می فرماید: «از آیاتی که دلالت بر حفظ قرآن از بطلان و تحریف دارد، آیه کریمه رصد است. این آیه بیان می کند که قرآن از مرحله تلقی تا مرحله ابلاغ به مردم در تمام اعصار، تحت نظارت و مراقبت الهی بوده و هست و احتمال راهیافت تحریف در قرآن، مستلزم آن است که این مراقبت به صورت ناقص انجام گرفته یا خارج از علم الهی تحقق یافته است و فرض چنین اموری درباره خدا محال است» (جوادی، ۱۳۸۹)

آیه شریفه فوق، کم تر مورد استناد سایر مفسرین قرآن قرار گرفته است و حضرت استاد با اندیشه عقلانی ویژه ای برای اثبات عدم تحریف قرآن به آن اشاره و استدلال نموده است.

۲-۳-۱-۲- دلایل روایی

در میان محققین و قرآن پژوهان معاصر حضرت آیت الله جوادی آملی با شیوه ای ابتکاری به بیان دلایل روایی مدنظر خود در رد ادعای تحریف قرآن پرداخته و قائل به وجود پنج دسته از روایات میباشد که از مجموعه آنها به طور قطع ثابت می شود که قرآن کریم تحریف نشده و صیانت قرآن قطعی است.

در ابتدا به روایاتی اشاره می کنند که بیانگر سیره عملی ائمه (ع) در استفاده از قرآن و استدلال به آن می باشد. ایشان می فرماید: «معصومین در مقام استدلال برهانی، در مقام مشاوره و در احتجاج بدلی به همین قرآن تمسک می کردند و هیچ کس نمی گفت که شاید این آیه کریمه که با آن استدلال می کنید دست خورده باشد یا آیاتی حذف شده باشد که در معنای این آیه دخالت داشته باشند.» (جوادی، ۱۳۷۵)

دسته دوم روایاتی مورد بحث ایشان قرار گرفته که به ما فرموده اند در حوادث سخت و فتنه های روزگار به این کتاب پناه ببرید. استاد بیان می دارند: «اگر قرآن کریم تحریف شده باشد، خود کتابی فتنه زده است، اینکه قرآن کریم به فرمایش معصومین (ع) راهگشای مشکلات است، نشانگر آن است که خود از هر گونه تحریفی مصون بوده و خواهد بود.» (جوادی، ۱۳۷۵)

دسته سوم، روایات عرضه به کتاب می باشند. حضرت آیت الله جوادی می فرماید: «امامان معصوم به همه ما امر کرده اند که برای استفاده از روایات و اطلاع یافتن از صحت و سقم حدیث آن را به قرآن عرضه کنید؛ اگر مخالف کتاب الله بود آن را طرح و طرد کنید.» (جوادی، ۱۳۷۵)

چهارمین موردی که حضرت آیت الله جوادی از آن بعنوان یک دلیل روایی برای اثبات عدم تحریف قرآن یاد می کنند حدیث متواتر ثقلین می باشد. حضرت علامه حدیث ثقلین را مبنایی ترین حدیث در میان روایات برای تحریف ناپذیری قرآن می داند و مرقوم می دارند: «نصوص ثقلین متواتر بین شیعه و سنی است و قوی ترین روایاتی که دلالت بر عدم تحریف قرآن کریم دارند. «ایشان در ادامه می فرمایند: «قرآن کریم به دلیل ضرورت تمسک مسلمین به آن مصون از هرگونه تحریف و دخل و تصرف است و قرآن و عترت از یکدیگر جدا شدنی نیست و دو ثقل به هم پیوسته و دو حبل در هم تنیده الهی اند که تنها راه هدایت بشر، تمسک به این دو ثقل در کنار یکدیگر است و بس.» (جوادی، ۱۳۷۵)

پنجمین گروه از روایات اثبات کننده تحریف ناپذیری قرآن تلاوت سوره کامل در نمازها و روایات فضایل سوره می باشند. در روایات بسیاری به خواندن سوره کامل در نماز دستور داده شده است و امامان معصوم بر آن تأکید نموده اند، اگر قرآن دچار تحریف و نقص شده باشد چگونه امامان معصوم (ع) از مسلمانان می خواهند که در نماز، سوره های کامل بخوانند چراکه در صورت وجود نقص در سوره ها، نماز مسلمین دچار مشکل می شود. روایات فضایل سوره ها نیز در صورتی معنا دار خواهد بود که سوره های قرآن در مصحف کنونی، کامل باشد، زیرا این فضایل و خواص بر سوره های کامل مترتب است و با نقص شدن سوره، این فضایل و خواص بر آنها مترتب نخواهد شد. (جوادی، ۱۳۸۹)

۲-۳-۱-۳-۲- دلایل عقلی

۲-۳-۱-۳-۲- حکمت الهی

استاد جوادی آملی معتقدند آخرین کتاب نازل شده از سوی خداوند برای هدایت بشر باید به حکم عقل مصون از تحریف باشد و علت این را پایان یافتن سلسله رسالت پیامبران و نزول وحی می داند، چرا که در صورت تحریف قرآن مردم دچار گمراهی خواهند شد، و این موضوع با لطف و حکمت الهی که اقتضا می کند خداوند، مردم هر دوره و زمانه ای را از طریق پیامبرانش هدایت کند، سازگار نیست. اگر قرآن دچار سرنوشت عهدین شده بود بایستی خداوند پیامبر و کتاب دیگری برای هدایت بشر می فرستاد، زیرا عاقلانه نیست که آخرین پیامبر و کتاب هدایت بشری دچار تحریف و تغییر شوند اما خدا، پیامبر و کتاب دیگری نفرستد. (جوادی، ۱۳۹۲)

۲-۳-۱-۳-۲- عدم حجیت قرآن با وقوع تحریف

یکی دیگر از دلایل عقلی تحریف ناپذیری قرآن از دیدگاه آیت الله جوادی عدم حجیت قرآن در صورت وقوع تحریف در این کتاب الهی است. کتابی که ایشان آن را حجت و اولین منبع و سند دین معرفی می کند و با توجه به اینکه حجیت قرآن ذاتی و امری بدیهی است، وقوع تحریف در آن از هر حیث منجر به سقوط قرآن از حجیت می شود. (جوادی، ۱۳۹۲)

۲-۳-۱-۳-۲- اصل اتمام حجت و هدایت گری مردم

مورد دیگر در باب تحریف ناپذیری قرآن از منظر آیت الله جوادی موضوع اتمام حجت و هدایت گری مردم است. علامه معتقد است با فرض تحریف و تغییر در قرآن، علاوه بر خدشه دار شدن موضوع حجیت قرآن و کمال و تمام شدن حجت خدا بر مردم، دوام و استمرار

رسالت پیامبران نیز مورد اشکال خواهد بود. بنابراین از نظر عقلی، اتمام رسالت پیامبر اکرم (ص)، با عدم احتمال ورود هر گونه تحریف در قرآن جهت حفظ و بقای اصل اتمام حجت بر مردم، کاملاً ملازمه دارد. (جوادی، ۱۳۸۲)

۲- نتیجه گیری

بررسی فوق با عنایت به اینکه دو بزرگوار در دوره های مختلف زمانی زیست کرده اند میتوانند مفید باشد و و بعنوان نظر غالب محققین دیگر آن دوره ها در نظر گرفت. پس از بررسی تفصیلی دلایل هر دو بزرگوار اینک در مقام مقایسه و جمع بندی دو دیدگاه فوق هستیم. علامه طباطبایی و آیت اله جوادی آملی در بیان مفهوم تحریف دیدگاه های تقریباً یکسانی دارند اما در تقسیم بندی انواع تحریف دیدگاه های متفاوتی دارند که در اصل موضوع تفاوتی ایجاد نمی کند.

علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی در تقسیم بندی دلایل رد ادعای تحریف و نفوذ در قرآن تقریباً یکسان عمل کرده اند و دلایل قرآنی، روایی و عقلی را بعنوان محور این بحث قرار داده اند که به تفصیل در بالا مورد بررسی قرار گرفت. علامه طباطبایی در دلایل قرآنی ضمن بررسی اوصاف قرآن مانند تواتر به دلایلی همچون آیه حفظ و آیه نفی باطل اشاره می کنند. آیت الله جوادی آملی علاوه بر اشاره به هماهنگی قرآن حکیم و عترت، طبق همین تقسیم بندی مباحث خود حول محور دلایل قرآنی را بیان می دارد.

علامه طباطبایی در اشاره به دلایل روایی مد نظر خود به بررسی روایاتی با عناوین حدیث ثقلین، روایات رجوع به قرآن در فتنه ها، روایات قرائت قرآن توسط ائمه علیهم السلام موافق و عین قرآن موجود و روایات وارده از امیرمؤمنان علی علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام مبنی بر عدم تحریف قرآن می پردازد و آیت الله جوادی آملی نیز در این قسمت به پنج دسته از روایات با عناوین روایات بیانگر سیره عملی ائمه (ع) در استفاده از قرآن و استدلال به آن، روایات توصیه به پناه به قرآن در حوادث سخت و فتنه های روزگار، روایات عرضه به کتاب، حدیث ثقلین و تلاوت سوره کامل در نمازها و روایات فضایل سوره می باشد. حضرت علامه طباطبایی در قسمت دلایل عقلی به الهی بودن نظم آیات و قرینه سیاق اشاره می کنند. آیت الله جوادی آملی نیز در بحث از دلایل عقلی به دلایلی همچون حکمت الهی، عدم حجیت قرآن با وقوع تحریف و اصل اتمام حجت و هدایت گری مردم اشاره می کنند.

در بیان جمع بندی مطالب تفصیلی فوق باید گفت که هر دو بزرگوار اعتقاد به عدم تحریف و نفوذ در قرآن دارند و معتقدند در قرآن هیچ تحریفی که به اعجاز، هدایت بودن و عام ترین وصف آن یعنی ذکر بودن لطمه ای بزند و تغییری در معنای آن ایجاد کند صورت نگرفته است.

علاوه بر تقسیم بندی کلی و دلایلی که در بالا ذکر شد، علامه طباطبایی به دلایلی همچون چینش آیات در سوره ها و وجود رسول خدا بعنوان امین وحی جهت اثبات عدم تحریف قرآن اشاره کرده اند.

آیت الله جوادی آملی نیز علاوه بر موارد فوق به شهرت محققه به گواهی دانشوران فریقین، آیات تحدی و اعجاز، شهادت تاریخ بر عدم تحریف و نور بودن قرآن به استناد بعضی آیات قرآن برای اثبات عدم تحریف اشاره می کنند.

پیشنهادات

- شناسایی شبهات ایجاد شده در خصوص تحریف قرآن کریم
- برگزاری کرسی های آزاد اندیشی در خصوص تحریف یا عدم تحریف قرآن به جهت شناسایی خلا های فرهنگی موجود
- پاسخگویی به شبهات تحریف قرآن در کتب درسی
- بررسی نظرات تمامی فقهای متقدم و معاصر به جهت گسترش حوزه های پژوهشی
- تهیه و تدوین برنامه های تلویزیونی، رادیویی و رسانه ای در خصوص تحریف قرآن
- برگزاری همایش های ملی به جهت دریافت پژوهش های مختلف از جانب قرآن پژوهان
- برگزاری دوره های آموزشی قرآن پژوهی برای دبیران الهیات

منابع

- ۱- جوادی آملی، عبد... ۱۳۷۸، تفسیر موضوعی قرآن کریم، چاپ اول، قم، اسراء
- ۲- جوادی آملی، عبد...، ۱۳۸۳، نزاهت قرآن از تحریف، قم، اسراء
- ۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ المفردات فی غریب القرآن، دار العلم الشامیه، دمشق
- ۴- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ۵- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۹، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم، موسوی همدانی، سید محمد باقر، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ۶- معرفت، محمد هادی، ۱۳۸۸، تحریف ناپذیری قرآن، موسسه فرهنگی تمهید
- ۷- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)؛ نزاهت قرآن از تحریف، بی جا: مرکز نشر اسراء.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۵ش، قرآن در قرآن، قم: اسراء.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۱ش، سروش هدایت، قم: اسراء.
- ۱۰- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۲ش، قرآن کریم از منظر امام رضا(ع)، قم: اسراء.
- ۱۱- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۲ش، نزاهت قرآن از تحریف، قم: اسراء.
- ۱۲- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۴ش، شریعت در آینه معرفت، قم: اسراء.
- ۱۳- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ش، نسیم اندیشه، قم: اسراء
- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ش، همتایی قرآن و اهل بیت، قم: اسراء.
- ۱۵- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۰ش، ادب فنای مقربان، ج ۴، قم: اسراء.
- ۱۶- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱ش، مهر استاد، قم: اسراء.
- ۱۷- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۳ش، شمس الوحی تبریزی، قم: اسراء.